

تبعات برجام برای فضای اجتماعی ایران چه بود؟

زمین سوخته اعتماد

امروز ۲۳ تیرماه چهارمین سالگرد توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ است، آرزویی بلند که تبدیل به رؤیایی کوتاه با سرانجامی ممتد شد!

• صادق فرامرزی



«جامعه‌ای شرطی» و «بحران امید اجتماعی»

حداکثری از روند تحولات خارجی باعث می‌شود بدون افتادن اتفاق خاصی بازار از یک موضع یا تهدید خارجی حساب ببرد، متقابلاً نیز شکست هسته‌ای به‌عنوان عصاره‌ای از تمام راهگشایی‌های دولت می‌تواند جامعه را با بحرانی جدی برای زندگی در روزهای پس‌برجام مواجه کند. این امر زمانی بیش از پیش ملموس می‌شود که شاهد انفعال و سرگشتگی خود دولت برای اقدام و عمل در زمانه پس‌برجامی باشیم. خلاصه کردن تمام راه‌حل‌ها و آرزوها به یک توافق بین‌المللی شاید بتواند امیدی مقطعی و در راستای موفقیت‌های انتخاباتی را به ارمان آورد اما در بلندمدت و پس از ناکامی در برآورده کردن آرزوهای عمومی تبدیل به ضد خود شده و خطر «امیدی جمعی» را برای بخش دلبسته به آن فراهم می‌کند.

از شرطی شدن جامعه در سایه برجسته‌سازی هر گونه اقدام خارجی و هشدار به ادامه پیدا نکردن این روند «شرطی شدن» به اقدامات طرف اروپایی را می‌توان خلاصه‌ای از سخنان ایشان دانست. هر چند که ادامه مواضع دولت‌مدران در ماه‌های بعد از این جلسه موید عدم توجه چندان به این سخنان بود و کماکان می‌توان مقوله «شرطی شدن» فضای اجتماعی و اقتصادی ایران را از مصادف سال‌های پس از برجام دانست اما آنچه غیرقابل انکار است تاثیر بلندمدت این فرآیند بر روند تحولات عمومی است.

«بحران امید اجتماعی» را می‌توان مهم‌ترین اثر فضای «جامعه شرطی شده» ایران در دولت یازدهم و دوازدهم دانست. به زبانی ساده‌تر همانقدر که تاثیرپذیری اجتماعی

شد که مردم نسبت به برجام شرطی شدند که وقتی آن بابا می‌خواهد از برجام خارج بشود، تا مدتی که او می‌گوید خارج می‌شوم، ما همین‌طور دچار تلاطم در بازار خواهیم بود؛ ما شرطی شده‌ایم دیگر، مردم را ما شرطی کرده‌ایم. حالا هم «بسته اروپایی» مردم را درباره بسته اروپایی شرطی نکنید. البته اروپایی‌ها مجبورند، ناچارند، چشم‌شان چهار تا! باید بگویند چگونه خواهند توانست از منافع ما دفاع کنند - که اسمش همان بسته است- اما این را جزو موضوعات اصلی کشور قرار ندهید؛ بسته اروپایی بیاید، نیاید، ما کارهایی در کشور داریم، مقدوراتی در کشور داریم، این مقدورات باید تحقق پیدا کند؛ دنبال این مقدورات بروید؛ گره نزدیک بهبود اقتصاد کشور را به چیزی که از اختیار ما خارج است.» گزلیه

نیز مزید بر علت شد تا خود دولت چه در نیمه پیش از توافق هسته‌ای و چه در نیمه پس از آن، بیشترین تلاش را برای گره زدن همه امور مملکت به تحولات و توافقات خارجی کند. در چنین فضایی سخنان تیرماه سال گذشته رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای هیات دولت را می‌توان مصداقی‌ترین سخنان ایشان پیرامون بحران «جامعه شرطی شده» در سایه فضای سیاسی کشور دانست، آنچنان که در بخشی از بیانات‌شان نیز اینچنین گفتند: «کار را در محدوده مقدورات کشور بنا جدیت دنبال کنید؛ منتظر این و آن نباشید. ما یک روز مشکل اقتصادی کشور را موقوف کردیم به برجام، اما [برجام نتوانست مشکل اقتصادی کشور را برطرف کند و به ما کمک قابل توجهی بکند و نتیجه این

تاثیرپذیری حداکثری از مواضع خارجی]»، شاید این عبارت را بتوان خلاصه‌ای از تحولات سیاسی دهه ۹۰ دانست؛ دهه‌ای که در آن مباحث مربوط به سیاست خارجی تبدیل به مهم‌ترین موضوع مجادلات سیاسی و انتخاباتی شد و فراتر از آن سایه سنگینی نیز بر سر امروز روزمره مردم انداخت. تاثیرپذیر شدن قیمت کالاهای مصرفی از آخرین سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا و احتمال و عدم احتمال یک توافق، از روشن‌ترین مصادیق این تاثیرپذیری حداکثری بود. از سوی دیگر دولت تدبیر و امید تنها دولت پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که در سایه شعارهایی حول محور دیپلماسی و روابط خارجه بر صندلی قدرت تکیه زده بود. تاثیرپذیری موفقیت و عدم موفقیت این دولت از روند تحولات بین‌المللی

«تعارض خارجی» و «دگری‌سازی داخلی»

در قالب «منجیان»، راهی از وضع موجود باعث شد فضای اجتماعی ایران در جریان تحریم‌های ۱۰ ساله اخیر بیش از آنکه مسیری از وحدت داخلی را تجربه کند، تهییج به سمت انشقاق و شورش علیه رقبای دولت شود. ده‌ها توهین مستقیم و غیرمستقیم به منتقدان رویه سیاست خارجی دولت در جریان سخنان روحانی و دولت‌مدانش، همونا به سیاست‌های اسرائیل خواندن هر گونه نقد و پیش‌بینی از سرانجام مذاکرات، درخواست علنی ظریف از غربی‌ها برای تعجیل در توافق با نیت شکست دادن رقبای داخلی و مواردی از این دست گواهی روشن بر این مهم است که هجمه بیرونی در ۱۰ سال گذشته باعث شد تا جریان داخلی با تلاشی ممتد آن را تبدیل به دویبگی برای «دگری»‌سازی از رقبای خود در بستر فضای اجتماعی کند. به شکلی روشن می‌توان آغاز این بحران را از نحوه تعامل و حتی شعارهای جریان شکست خورده در انتخابات سال ۸۸ که بعدها بخش قابل توجهی از ۲ قوه مجریه و مقننه را به دست گرفت، دانست.

«وجود و تهاجم یک دشمن خارجی»، پدیده‌ای است که اگر با قطعیت نگوئیم مهم‌ترین اتفاق برای تقویت وحدت ملی است، صراحتاً می‌توان از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین اتفاقات برای تقویت وحدت ملی یاد کرد. سنت تاریخی در قرون متمادی گواهی بر این بوده است که عینیت یافتن وجود یک نیروی خارجی که سعی بر نابودسازی قدرتی داخلی داشته باشد، مسبب تقویت وحدت درون گروهی چه در سطح یک قبیله تا سطح یک دولت - ملت بزرگ می‌شود. با این اوصاف شاید ناشگون‌ترین آورده توافق هسته‌ای ایران در بستر انعقاد و سپس اجرای آن، تبدیل کردن عامل وحدت ملی به انشقاق ملی باشد. تعریف کردن «دگری» متعارض از دولت‌هایی که جمهوری اسلامی را تحریم کرده بودند به سمت منتقدان و بازگیران داخلی درون سیستم، از سیاست‌های مهمی بوده که در تمام سال‌های پیش و پس از انعقاد توافق هسته‌ای در دولت روحانی، پیگیری شد. تعریف کردن رقبای سیاسی در جایگاه «عاملان» تحریم اقتصادی و تصویرسازی تحریم‌کنندگان

«استقلال ستیزی» و «توهم توسعه‌طلبی»

توسعه مبتنی بر وابستگی متقابل است و یک ضرورت به‌حساب می‌آید. از جمله نکاتی بود که بیم پیاده‌سازی آنها در جریان روی کار آمدن دولت روحانی می‌رفت. برجام هر چند مهم‌ترین، پرسرودترین و البته ناکام‌ترین طرح دولت روحانی لقب گرفت اما نمودی از غلبه یافتن استقلال‌ستیزی با هدف دستیابی به الگوی پروتوزاژ توسعه اقتصادی بود. سرانجام برجام به هر شکلی که رقم بخورد اما نمی‌توان از تبعات حاکم شدن این الگوی فکری بر روند سیاست‌گذاری کشور غافل شد. مزایده استقلال برای نقد کردن چک توسعه با عبور از ارزش‌های ملی تا جایی بر فضای روزهای پس از برجام نیز سایه افکنده است که کماکان عقب‌نشینی از اصول و دستاوردهای ملی برای نیل به توسعه اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین راهکار تجویزی رسانه‌ها و نخبگان حامی دولت شناخته می‌شود.

در کسب حاکمیت ملی برای ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی مفید بود اما امروز لغت استقلال کاربرد ندارد و «رهبردهای تحقق توسعه»، از الگوهای گذشته که بر پایه مفاهیمی مانند خودکفایی، استقلال و انزواستوار بودند، از نظر محتوایی فاصله گرفته‌اند و به الگوی توسعه برون‌گرا نزدیک می‌شوند که البته در این الگو مفاهیم خودکفایی و استقلال بازتعریف شده‌اند. شاخص توسعه‌گرایی حاکم بر جهان کنونی بر اساس راهبرد تعامل است، چرا که راهبرد انزواگرایی مانع از توسعه می‌شود. شاخص توسعه‌گرایی حاکم بر جهان کنونی بر اساس راهبرد تعامل است، چرا که راهبرد انزواگرایی مانع از توسعه می‌شود. در این شرایط، هر برنامه کلان توسعه ملی برای دستیابی به موفقیت نیازمند تعامل با جریان‌های اصلی نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل و استفاده از امکانات جهانی است، چرا که این الگوی

دوگانه کاذب «استقلال-توسعه» را می‌توان از جدی‌ترین دوگانه‌های موجود در فضای علمی و آکادمیک کشور دانست. مقالات و کتب منتشر شده محمود سریع‌القلم در چند دهه اخیر مهم‌ترین بخش از پازل این دوگانه محسوب می‌شود. ارتباط نزدیک میان وی و حسن روحانی نیز از جمله مباحثی بود که چه در ایام پیش از ریاست‌جمهوری روحانی و چه با آغاز به کار وی بارها مورد بحث و بررسی قرار گرفت، به گونه‌ای که برخی حتی نظرات سریع‌القلم را به مثابه نقشه راه دولت برای ادامه مسیر توسعه‌ای که در دولت سازندگی آغاز شده بود تلقی کردند. نظراتی همچون: «ما در دنیا لفظ، مفهوم و تعبیری به نام استقلال اصلاً نداریم. استقلال تعبیری است که در دهه ۱۹۵۰ میلادی کشورهای آفریقایی برای دوره استعمارزدایی استفاده می‌کردند. مفهومی که مؤثر افتاد و

چگونه «شوک» اقتصادی قدرت تصمیم‌گیری عمومی را نشانه می‌رود؟

توهم رهایی و تعهد برجامی

مربوط به واردات و صادرات آغاز شده بود، زمینه را برای روی کار آمدن دولتی فراهم کرد که راهکار «سیاست خارجی» خود را تنها راهکار برون‌رفت از شوک اقتصادی تصویر می‌کرد. بدین ترتیب با روی کار آمدن دولت یازدهم، تمرکز قوه مجریه بر عامل

بازار و استقرار نظام سرمایه‌داری استفاده می‌کند اما دکتترین او قابل تطبیق برای بررسی تصمیمات و تحولات مهم کشورهاست که بدین‌کار گزاران آنها تا چه میزان روند تصمیم‌گیری‌شان منطبق با نظریه شوک‌درمانی و عواقب آن بوده است. به عنوان مثال

سمیرا کریمشاهی: احتمالاً تصور ابتدایی که با شنیدن کلمه «شوک» در ذهن اکثرمان نقش می‌بندد، کاربرد این لغت در عرصه پزشکی باشد؛ یعنی انتقال شوک الکتریکی به مغز انسان برای درمان اختلالات روانی و تحریک قلب برای احیای بیمار. اما فارغ از عالم پزشکی، از عنوان شوک برای بررسی تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع استفاده می‌شود. این اصطلاح بیشتر با نام «ناوومی کلاین» نویسنده کتاب مشهور «دکتترین شوک» گره خورده است. خاتم کلاین در کتاب خود می‌گوید فاجعه‌هایی مانند کودتا، حمله تروریستی، فروپاشی بازار، جنگ و حوادث طبیعی یک حالت شوک و ارباب را در جامعه ایجاد می‌کند. جامعه شوکه شده سست می‌شود و غالباً اعضای آن از چیزهایی که در حالت عادی سرسختانه از آن محافظت می‌کردند، دست برمی‌دارند. در مرحله بعد کلاین معتقد است سیاستمداران کشور شوک‌زده از آن به مثابه فرصت برای بهره‌مندی در راستای منافع‌شان استفاده می‌کنند یا به تعبیری مناسب‌تر از بحران سوءاستفاده می‌کنند و با جهت‌دهی به افکار عمومی به‌تازده و سردرگم، تصمیمات سیاسی و اقتصادی خود را پیش می‌برند. این شوک‌درمانی نامیده می‌شود. اختصاراً می‌توان گفت مهم‌ترین ثمره هر گونه شوک‌درمانی‌ای را گرفتن قدرت تصمیم‌گیری از جامعه‌های شوک‌زده دانست، به گونه‌ای که اعضای آن در سایه شوک وارد شده آماده‌ی پذیرایی از هر گونه راهکاری را که تنها توهم خارج کردن جامعه از وضعیت موجود را بدهد، دارند. کلاین از دکتترین شوک برای نقد اقتصاد



کلاین معتقد است سیاستمداران کشور شوک‌زده از آن به مثابه فرصت برای بهره‌مندی در راستای منافع‌شان استفاده می‌کنند یا به تعبیری مناسب‌تر از بحران سوءاستفاده می‌کنند و با جهت‌دهی به افکار عمومی به‌تازده و سردرگم، تصمیمات سیاسی و اقتصادی خود را پیش می‌برند. این همان اتفاقی است که شوک‌درمانی نامیده می‌شود. اختصاراً می‌توان گفت مهم‌ترین ثمره هر گونه شوک‌درمانی‌ای را گرفتن قدرت تصمیم‌گیری از جامعه‌های شوک‌زده دانست، به گونه‌ای که اعضای آن در سایه شوک وارد شده آماده‌ی پذیرش هر گونه راهکاری را که تنها توهم خارج کردن جامعه از وضعیت موجود را بدهد، دارند



افزوده می‌شود. مذاکره‌کنندگان هم برای از دست ندادن فضای روانی باب میل‌شان، تسریع در روند کار را پیش گرفتند و در این مسیر تلاش شد هر مانعی از جمله نقدهایی که چنین روزها را پیش‌بینی و دانما خطر یک توافق شانزده را گوشزد می‌کرد، کنار زده شود. ملموس‌ترین نتیجه «شوک‌درمانی» خود را در این وضعیت نشان داد و فقدان قدرت تصمیم‌گیری که ناشی از شوک وارد شده بود فراتر از بدنه جامعه حتی بخش بزرگی از نخبگان را هم نسبت به نقدهای وارد شده که خبر از آینده‌ای نامطلوب در سایه توافقی ضعیف می‌داد، ناشنوا کرد. در اینجا می‌توان به نظریه «همنوایی گروهی» از «روینگ جنیس» روانشناس اجتماعی اشاره کرد. او می‌گوید همنوایی گروهی به فرآیندی اشاره دارد که برای از دست ندادن یک موقعیت، گروه به توافق نظر و تصمیم شتابزده یا نامعقول می‌رسد و به دیگر نظرات خارج از گروه اهمیت نمی‌دهد. در واقع میل افراد برای رسیدن به یک تصمیم آنقدر زیاد است که انگیزه خود برای ارزیابی دیگر راهکارها را از دست می‌دهند. نقطه مشترک «دکتترین شوک» کلاین و «همنوایی گروهی» جنیس، تلاش برای نشان دادن روندهایی است که منتهی به تصمیمات اشتباه می‌شود که گزاره

توسعه مبتنی بر وابستگی متقابل است و یک ضرورت به‌حساب می‌آید. از جمله نکاتی بود که بیم پیاده‌سازی آنها در جریان روی کار آمدن دولت روحانی می‌رفت. برجام هر چند مهم‌ترین، پرسرودترین و البته ناکام‌ترین طرح دولت روحانی لقب گرفت اما نمودی از غلبه یافتن استقلال‌ستیزی با هدف دستیابی به الگوی پروتوزاژ توسعه اقتصادی بود. سرانجام برجام به هر شکلی که رقم بخورد اما نمی‌توان از تبعات حاکم شدن این الگوی فکری بر روند سیاست‌گذاری کشور غافل شد. مزایده استقلال برای نقد کردن چک توسعه با عبور از ارزش‌های ملی تا جایی بر فضای روزهای پس از برجام نیز سایه افکنده است که کماکان عقب‌نشینی از اصول و دستاوردهای ملی برای نیل به توسعه اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین راهکار تجویزی رسانه‌ها و نخبگان حامی دولت شناخته می‌شود.

توسعه مبتنی بر وابستگی متقابل است و یک ضرورت به‌حساب می‌آید. از جمله نکاتی بود که بیم پیاده‌سازی آنها در جریان روی کار آمدن دولت روحانی می‌رفت. برجام هر چند مهم‌ترین، پرسرودترین و البته ناکام‌ترین طرح دولت روحانی لقب گرفت اما نمودی از غلبه یافتن استقلال‌ستیزی با هدف دستیابی به الگوی پروتوزاژ توسعه اقتصادی بود. سرانجام برجام به هر شکلی که رقم بخورد اما نمی‌توان از تبعات حاکم شدن این الگوی فکری بر روند سیاست‌گذاری کشور غافل شد. مزایده استقلال برای نقد کردن چک توسعه با عبور از ارزش‌های ملی تا جایی بر فضای روزهای پس از برجام نیز سایه افکنده است که کماکان عقب‌نشینی از اصول و دستاوردهای ملی برای نیل به توسعه اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین راهکار تجویزی رسانه‌ها و نخبگان حامی دولت شناخته می‌شود.

خارجی به عنوان ناجی کشور و توافق با غرب گره خورد. مذاکره و دیپلماسی، ابزار شوک‌درمانی دولت بود اما آنها چه آگاهانه و چه از سر غفلت شوک اولیه را مضاعف کردند. در واقع اگر در شوک اولیه جنبه فیزیکی و ملموس آن غلبه داشت و برای توده مردم فشار اقتصادی به بار آورده بود، شوک دوم بار روانی ذهنی به همراه داشت و رعب و وحشت را به جامعه تزریق می‌کرد. به بیان واضح‌تر رئیس‌جمهور و مسؤولان مذاکره‌کننده با گروه ۵+۱ دانما پالس‌های